

خدایا جهانداورا بی کسم
(چو کردی چراغ مرا نوردار
مسوزان وطن را به برق سما

(تویی یاوری بخش و یاری رسم) ۱
زمن مشعل کشان دور دار) ۲
شهنشاه آن را (مظفر) نما

اللهم اشْرِحْ لِي صَدْرِي وَ يَسِّرْ لِي أَمْرِي وَ أَحْلِلْ عُقْدَتَا مِنِّ لِسَانِي يَفْقَهُوا قَوْلِي.

پانزده سال تمام شد، یعنی هنوز طفل بودم، و در (دارالفنون مظفریه تبریز) که در تحت توجه و سایه مخصوص بندگان اعلی حضرت اقدس همایونی دام ملکه تاسیس یافته بود درس می خواندم که هوای خدمت وطن بر سرم افتاد، و عشق این وطن تمام جانم را گرفت. تنها وسیله ایقاظ و خلاصی وطن را روزنامه می دانستم، و برای تربیت ملت و ترقی دولت که حافظ ناموس است، و ضامن بقای دین محمدی است، بهتر از روزنامه رهبری، دفتری، سرمشقی نمی یافتم و نیست. اگر هر نوع اسباب ترقی را از قبیل مدارس و محافل فرض نمایم چون دیده ملت به انوار علم و ترقی و معنی حیات دنیوی، و خلقت عظیم خداوندی باز نیست، لهذا آن را آلت ضلالت، و اساس کفر و جهالت تعبیر خواهند کرد. و حق هم دارند، زیرا که روح انسان همیشه از اشیاء نکره و اشخاص بیگانه، و یا از چیزهایی که تازه می بیند و تازه می شنود و موضوع له آن را نمی فهمد و نتیجه و عاقبت آن را نمی داند، به رنج و بیزار آن دو است و می ترسد تا نفهمد و نداند هرگز اقدام نمی کند و اگر بکند در نزد عقلا از بی عقلا ن به شمار آید.

پس روزنامه ای که روزنامه باشد، نه مجمع قصص و روایات و یا دهان فحاشی و تملقات، می تواند با قواعد تهذیب اخلاق و لطایف الحیل علوم و سیاسیات، و مقالات نرم شیرین و نصایح مشفقانه برادرانه موثره، همه اشکالات را از میان بردارد.

و از اعظم و اهم خواص روزنامه یکی این که، نصایح و مواعظ اگر هر قدر متین و موثر باشند، باز به مرور مدت فراموش می شوند، ولی روزنامه مانند معلمی مشفق و مهربان، که شاگردان دین و وطن خویش را از جان و تن خود گرامی تر دارد. هر روز و هر ساعت به طور دائمی، ابواب مسدوده قلوب را می زند و راه نجات و سعادت را با اولاد وطن می نماید.



خوانندگان محترم روزنامه جات ناامید و دل‌تنگ نباشند که، با وجود این همه داد و فریاد ارباب قلم، باز ملت خوابیده و از عالم و عالمیان بی‌خبر افتاده. دعوت انبیا و مرسلین، و جد و جهد وزرا و سلاطین، و وضع اقدامات مرییان ملت و طول مدت و کثرت مشقت و زحمات آن‌ها را تخطّر نموده و به این همه نتایج عظیمه جراید فارسی که از چهل و یاسی سال به این طرف بخشیده‌اند، متشکر و ممنون باشند.

پس این محقر خادم جان‌فشان دین و وطن که، با نعمت بی‌دریغ ولی نعمت جهان قیمت ایران و در تحت توجه ملوکانه‌اش، مراتب تحصیل و تربیت را طی کرده و از مآثر پاک همایونی در مراکز احساساتم به جز حب خدمت وطن، یعنی انتشار یک روزنامه بی‌غرض منظم، از دنیا و مافیها چیزی نمانده، از آغاز جوانی، ابدا فکری به عیش و کامرانی ننموده، و تمامی راحت و معیشت دنیوی، و استقبال شعشعه دار خود را فدای این فکر مقدس کردم و در مقدمه این مقصد عالی مدرسه و روزنامه کمال رادر تیریز تاسیس نمودم و مدت شش سال تمام مورد چه زحمات و صدمات شدم، و چه شاگردان عالم و وطن‌دوست تربیت کردم، و در نشر معارف و تنویر افکار چه خدمات محسوسه نمودم. و اینک باز خسته نشدم و عنایات بلا غایات سبحانی شامل گشت. در سایه خسروانی امیدگاه دین و وطن، یعنی بنده‌گان اعلیحضرت قوی شوکت اقدس همایون شاهنشاه معدلت پناه مظفرالدین شاه خلدالله ملکه و سلطانه، و از مراجع بزرگانه حضرت مستطاب اشرف اعظم والاشاهزاده صدر اعظم مدظله روزنامه کمال را که دو سال در تیریز انتشار یافته بود، از سال سومش در دیار سعادت بار مصر که از بزرگترین مراکز تمدن اسلامی است انتشار دادم. و چون در ابتدا، اساس مدرسه و روزنامه کمال به اجازه مخصوص و مراجع خاص بندگان والا حضرت اقدس اشرف اعظم ولیعهد دولت جاوید مدت دامت ولایت الکبری تاسیس یافته، لهذا پس از ادای فرایض تشکر و دعاگویی، این نامه نامی را به نام گرامی آن مهین شکوفه شجر سلطنت شروع می‌کنم. و تا جان در پیکر ناتوان دارم، از این اساس محی‌الملل هرگز دست برنمی‌دارم، امیدوارم بزرگان و غیرتمندان وطن نیز، در این تاسیس مقدس همت و معاونت قولی و فعلی خود را دریغ نفرمایند.

موضوع این جریده عجالاً تهذیب اخلاق، و تشریح فواید قانون و حقوق ملی، و اصلاحات تعلیمی و اساسی السنه شرقیه، و نشر علوم و معارف است و درسال آینده که



انشاءالله انتشار روزنامه هفتگی و اوراق آن افزوده خواهد شد بعض مباحث اهم اسلامي و ملتي نيز افزوده خواهد شد.

عجالتاً تا شش ماه يا زودتر، كه كارهاي ابتداييه اداره به حالت نظم و استقلال درآيد، ماهي سه مرتبه طبع مي‌شود و بعد از آن هفتگي خواهد شد. و چون از انتشار اين جريده مقصد واحد خدمت ملت است، لهذا همه ساله تا حدي كه ممكن است بر هجم و محسنات و شئونات جريده افزوده خواهد شد، و در سايه اين جريده انواع تاسيسات خيريه تشكيل خواهد يافت. تمناي مخصوص كه از مشتركين محترم دارم اين است كه چون به واسطه صدمات تيريز اداره كمال از پاي درافتاده، لهذا مستدعي مي‌شوم در راه معارف‌پروري و وطن‌دوستي اين مختصر مبلغ قيمت را محض اعانه مقدماً مرحمت فرمايند كه در ابتداي تاسيس بيشتر از اين به زحمات و صدمات مبتلا نشويم.

در داخل ايران وجه اشتراك را ارزانتر كرديم كه همه بتواند خريدار باشد. و اگر بيشتر از اين هم ممكن مي‌شد باز تخفيف قيمت مي‌داديم. و اگر در وسط سال روزنامه هفتگي شود، باز قيمت همان است و افزوده نخواهد شد، و در آخر سال پس از ملاحظه دخل و خرج، هر چه مقتضي شود اعلان خواهد شد. همراه نسخه آينده قبوض روزنامه با مهر و امضاي مخصوص مؤسس و رئيس آن تقديم مي‌شوند. و قبوض بي‌مهر و امضاي مخصوص اعتبار ندارند.

و هر كس قيمت روزنامه را راساً به اداره بفرستد و اسم و محل خود را تعيين كند بلاواسطه جريده مي‌رسد. ■

